

دعاوی حقوقی (دادگاههای عمومی حقوقی)

همه انسانها در زندگی خود از حقوقی برخوردارند که رعایت آنها از سوی دیگران الزامی است اما گاهی این حقوق می‌تواند مورد غفلت، بی توجهی و تجاوز دیگران قرار گیرد و گاهی نیز ممکن است، حتی مورد اختلاف دو یا چند نفر باشد و هر کدام خود را صاحب حق محسوب نمایند. تصور کنید اگر در وضعیتهایی مشابه موارد زیر قرار گیرید چکار می‌کنید؟

- يك روز درب یکی از اتاقهای خانه‌تان را باز می‌کنید و مشاهده می‌نمایید که بر اثر بی توجهی همسایه آب از دیوار خانه نشت کرده و بسیاری از وسایل منزلتان خراب شده است و همسایه مزبور نه تنها حاضر به جبران خسارت شما نیست بلکه اصلاً به روی خود نیز نمی‌آورد که مقصر است.

- یکی از دوستان یا آشنایان شما از بانک وامی دریافت می‌کند و شما به عنوان ضمانت، پشت سفته او را امضا می‌کنید. اکنون به علت عدم پرداخت اقساط وام، بانک اقدام به برداشت وجه از حساب شما نموده است و فرد یاد شده نیز اصلاً توجهی به این موضوع ندارد و حاضر به پرداخت وجه شما نیست.

طبیعی است در موارد بالا حق، کاملاً آشکار است و حتی افراد عادی جامعه هم می‌توانند آن را تشخیص دهند لذا ممکن است اختلافات با پا در میانی دیگران به ویژه بزرگترها و ریش سفیدها حل شود. در غیر این صورت فرد ناگزیر از مراجعه به دادگاه خواهد بود.

همان گونه که رشته‌های فوق العاده تخصصی پزشکی مانع از این نمی‌شود که ما برای حفظ سلامتی خود از اصول کلی بهداشت آگاهی یابیم. رشته‌های تخصصی حقوق نیز مانع از این نیست که برای حفظ حقوق خود و پرهیز از مواجهه با دستگاه قضایی از اصول کلی آن آگاهی یابیم.

اما گاهی تشخیص حق و صاحب حق به سادگی امکان‌پذیر نیست و احقاق حق هر کس کاری تخصصی است اگر به موارد زیر دقت کنید. احساس خواهید کرد که در مقایسه با موارد بالا نیازمند تأمل بیشتری هستند

زن و شوهری در حال جدا شدن از یکدیگر هستند. هر دو آنها نگهداری از فرزند مشترک و تملک برخی از اموال را حق خود می‌دانند.

شخصی قطعه زمینی را از فردی خریده و اقدام به ساختن منزل مسکونی در آن کرده است اکنون که در منزل فوق مستقر می‌باشد صاحب واقعی پیدا می‌شود و مشخص می‌گردد که فروشنده به صورت تقلبی زمین را فروخته و اکنون نیز متواری است. حال صاحب زمین مدعی است که زمین متعلق به اوست و شخص ساکن خانه نیز مدعی است که تکلیف بنا و ساخت و ساز وی چه می‌شود؟

در تمام این موارد، چنانچه طرفین اختلاف نتوانند از راه‌های عادی و با وساطت دیگران، اختلاف خود را رفع نمایند ناگزیر به دادگاه مراجعه خواهند کرد و دادگاه پس از رسیدگی به اختلاف آنها، صاحب حق را تشخیص خواهد داد و با استفاده از قدرت خود حق وی را در اختیار او خواهد نهاد. اما در این گونه موارد به این دلیل که ماهیت دعوا حقوقی است قاضی دادگاه مجازات یا کیفری را برای یکی از طرفین دعوا در نظر نخواهد گرفت و فقط به ادای حق به صاحب آن اکتفا خواهد کرد.

البته قاضی نیز برای تشخیص صاحب حق و رفع اختلاف به قوانین ناظر بر موارد فوق مراجعه می‌کند. در حقیقت مجموعه قوانین مختلفی وجود دارد که شامل قواعد و مقررات لازم برای تنظیم روابط حقوقی افراد می‌باشند.

برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- قانونی مدنی
- قانون تجارت
- قانون مسئولیت مدنی

- قانون ثبت

- قانون روابط موجر و مستأجر

علاوه بر آنها قوانین پراکنده دیگری نیز وجود دارد که قاضی در حکم خود از آنها استفاده می‌کند و به استناد آنها رأی صادر می‌کند. حال وقتی ماهیت يك دعوا حقوقي است نحوه مراجعه شما به دادگاه، طرح دعوا و روال رسیدگی دادگاه، صدور حکم و بعد همچنان که گفته خواهد شد اعتراض شما به حکم دادگاه بر اساس مقررات و ترتیبات خاصی خواهد بود.

این ترتیبات و مقررات در قانون خاصی پیش بینی شده است که تحت عنوان "آیین دادرسی مدنی" یا به بیان دقیق‌تر "قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی" نامیده می‌شود.

آشنایی شما از مقررات و مفاهیم کلی قوانین مختلف عامل مؤثری در افزایش دقت اعمال حقوقی شما خواهد بود.